



## بسامد واژه با تکیه بر «تکرار»

شهرام ساری اصلانی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>دکتری زبان و ادبیات فارسی (غنائی) - PhD) دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. ایران-همدان [sh.sariaslani5350@gmail.com](mailto:sh.sariaslani5350@gmail.com)

### چکیده:

در مبحث سبک شناسی، بخش مهمی از این دانش مربوط می شود به مختصات زبانی. این مختصات نیز بخشی از آن مربوط می شود به مختصات زبانی فارسی کهن که یکی از این مهم، صنعت «تکرار» است. تکرار یا تکریر یعنی آوردن دو یا سه کلمه تکراری در کنار همدیگر. گاهی اوقات تکرار این واژه یا کلمه آنقدر جذاب و زیبا است که خواننده را به وجد می آورد. به همین جهت شاعر، جهت زیبایی شعر و یا تأکید بر اهتمام به این کلمه، آنرا دو یا سه مرتبه تکرار می کند که به آن تکرار یا تکریر می گویند. معمولاً اینگونه اشعار، سوژه های مناسبی برای خوانندگی می باشد تا جایی که خوانندگان اینگونه اشعار را که بیشتر به صورت سنتی خوانده می شود را با جان و دل انتخاب و به همراه موسیقی در پرده های مختلف سنتی می خوانند. مقاله پیش روی که به شیوه توصیفی - تحلیلی کار شده است به ذکر برخی از این اشعار می پردازد.

**کلید واژه:** تکرار، بسامد واژه، شعر فارسی، سبک شناسی، مختصات زبانی کهن.



## مقدمه:

«تکرار یا تکریر آنست که در یک بیت دو یا سه کلمه در کنار هم آورده شود.» (فضیلت، ۱۳۷۱:۱۹)

«تکرار که به صورت تکرار جزئی از جمله و معمولاً فعل است.» (شمیسا، ۱۳۷۲:۲۹۵)

گاهی اوقات این تکرار برای تأکید بر کلمه یا واژه ای بکار می رود و گاهی هم برای زیبایی کلام و یا زنجیره کلام استعمال می شود. گاهی هم به خاطر سبک نوشتاری قدیم این تکرار اتفاق می افتد؛ چرا که یکی از ویژگی های زبانی کهن همین تکرار است که بیشتر به تکرار افعال می انجامد. گاهی هم تکرار بخشی از جمله اتفاق می افتد. «تکرار از محسنات بدیعی زبان پهلوی بوده است.» (همان)

«تکرار از آرایه های ادبی است که به معنی دوباره یا چند باره آوردن واژه است، به گونه ای که بتواند بر موسیقی درونی بیافزاید و تأثیر سخن را بیشتر سازد. تکرار بیشتر در اشعار مولوی دیده می شود، پس از پروین اعتصامی بیشترین میزان تکرار در اشعار حافظ و سعدی است.» (ویکی پدیا)

البته در کنار تکرار تصدیر هم قرار دارد که نوعی تکرار است که در آن واژه ای در آغاز و پایان بیتی دوباره آورده می شود.

«آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست  
عالمی دیگر ببايد ساخت و زنو آدمی» (حافظ، ۱۳۷۳)

بماند این گل اندر دست رامین  
گو با او جام می بردست رامین» (گرگانی)

## روش تحقیق:

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به شیوه کتابخانه ای تدوین شده است و از فضای مجازی هم استفاده شده است.

## پیشینه پژوهش:



علی صابری مقاله ای تحت عنوان «صنعت تکرار» انواع و کاربردهای آن در بدیع»، به رشتهٔ تحریر در آورده است که به موضوع مورد بحث به صورت مجمل پرداخته است. محمد شریفی نیز کتابی تحت عنوان «فرهنگ ادبیات فارسی، به طبع رسانیده است که بخش از آن به آرایهٔ ادبی تکرار اختصاص داده شده است. اما به نظر می رسد پژوهشگری پژوهشی تحت عنوان «بسامد واژه با تکیه بر (تکرار)» تابحال کار نگرده باشد.

### موضوع اصلی:

تکرار یا تکریر در متون نثر بیشتر به صورت فعل می آید.

«و اما این سوره فاتحه را فاتحه الکتاب گویند و ام الکتاب گویند و سبع المثنائی گویند» (طبری، ۱۳۹۴)

«اندک اندک جمع مستان می رسند      اندک اندک می پرستان می رسند» (مولانا، بی تا)

«اندک اندک به هم شود بسیار      دانه دانه است غله در انبار» (سعدی، ۱۳۶۹)

دریغا دریغا که آگه نبودند      که تو بی وفا در جفا تا کجایی» (فرخی سیستانی)

«ای ستاره ها، ستاره ها، ستاره ها      پس دیار عاشقان جاودان کجاست» (فرخزاد، ۲۰۱۷م.)

«مرغ ماهی خوار در رویای پرموجش      ماهیان رنگ رنگ از آب می گیرد» (آتشی، ۱۳۸۶)

«سنگ سنگ دشت شعرم گریه خواهد کرد برگ برگ باغ شوم اشک خواهد ریخت» (همان)

«ای سایهٔ معشوق را معشوق خود پنداشته      ای سالها نشناخته تو خویش را از پیرهن» (مولوی، بی تا)

«آه آه از سحر شاداب تر      از بهاران تازه تر سیراب تر

بوستان بر سرو دارد آن نگار دلستان      آن نگار دلستان بر سرو دارد بوستان» (شروانی، ذوالفقار)

«دانه دانه پهر اشک ببارید چنانک      گرهٔ رشتهٔ تسبیح ز هم بگشانید» (خاقانی شروانی، ۱۳۹۵)

«نفس نفس اگر از باد بشنوم بویت      زمان زمان کنم از غم چو گل گریبان چاک» (حافظ، ۱۳۷۳)

«مخمل سبز چمن را چنگ چنگ      می دویدم پا به هم می دوختم» (نادر نادرپور، ۱۳۹۹)

«کار پاکان را گنه از خود مگیر      گرچه ماند در نوشتن شیر و شیر» (مولانا، ۱۳۸۹)

- «اکنون جهان چنان شود از عدل و داد او      کاهو بره مکد از ماده شیر شیر» (فرخی سیستانی)
- «شرح این آتش جانسوز نگفتن تاکی      سوختم سوختم این راز نهفتن تا کی» (وحشی، ۱۳۹۲)
- «آن یکی شیر است آدم می خورد      آن یکی شیر است آدم می خورد» (مولوی، ۱۳۸۹)
- «مرگ اگر مرد است گو نزد من آی      تا در آغوشش بگیریم تنگ تنگ
- من ز او جانی ستانم جاودان      او ز من دلقی ستاند رنگ رنگ» (مولانا، بی تا)
- «دست ترا به ابر که یارد شبیه کرد      کاین بدره بدره می دهد و قطره قطره آن» (حافظ، ۱۳۷۳)
- «درد و چشم من نشین ای آنکه از من من تری      تا فلک را وانمایم کز قمر روشن تری» (مولوی، ۱۳۸۹)
- همچنان در اشعار نو هم تکرار واژه ها بسیار به چشم می خورد.
- «در آن زمان دیدم
- ستارگان سیاه، ستارگان سیاه، پرونده و پرگوی
- در آسمان سپید تپیده و کوتاه دم امید»
- «لنگ لنگان قدمی بر می داشت هر قدم دانه شگری می کاشت»
- «یار یار است اگر یار وفادار بود      یار چون نیست وفادار کجا یار بود» (رودکی)
- «گفتم ترا همی نتوان دید ماه ماه      گفت که ماه را نتوان دید هر زمان» (فرخی سیستانی، ۱۳۳۵)
- «در دیر می زدم من که ندا زدر آمد      که درآ درآ عراقی که توهم از آن مایی» (عراقی، ۱۳۸۴)
- «دور دور از تو منن تیره سرانجام روم      نبود زهره که همراه تو یک گام روم» (وحشی بافقی، ۱۳۹۲)
- «از جفای تو منن من زار چو رفتم رفتم      لطف کن لطف که این بار چو رفتم رفتم» (همان)
- «عقل و دین باخته، دیوانه رویی بودیم      بسته سلسله سلسله مویی بودیم» (همان)
- «به درد دل گرفتارم دواي دل نمی دانم      دلا کاری است بس مشکل نمی دانم نمی دانم»



(سلمان ساوجی، ۱۳۷۱)

لب جوی و لب جام و لب یار ای ساقی» (همان)	«تا توانی مده از کف به بهارای ساقی
الله الله که تلف کرد و که اندوخته بود» (حافظ، ۱۳۷۳)	«دل بس خون به کف آورد ولی دیده بریخت
ای هیچ برای هیچ بر هیچ نییچ» (مولوی، ۱۳۸۹)	«دنیا همه هیچ و اهل دنیا همه هیچ
هم شکراندر شکر اندر شکرا» (مولانا، بی تا)	«هم نظری هم خبری، هم قمران را قمری
بلایم من بلایم من بلایم» (همان)	«بدیدم حسن را سرمست می گفت
زمان زمان چو گل از غم کنم گریبان چاک» (حافظ، ۱۳۷۳)	«نفس نفس اگر از باد نشنوم بویش
گویی کزین جهان به جهان دگر شدم» (سعدی، ۱۳۶۹)	«از در درآمدی و من از خود به در شدم
حیف نباشد که دوست، دوست تر از جان ماست» (همان)	«گر برود جان ما در طلب وصل دوست
بره جه گذارویی مکن در بزم سلطان، ساقیا» (مولانا، ۱۳۸۹)	«ای جان جان جان، مانامدیم بهر نان
می رود و می رسد نونو این از کجاست» (همان)	«عالم چون آب جوست، بسته نماید ولیک
بازشان حکم تو بیرون می کشد» (همان)	«صد هزاران ضد، ضد را می کشد
	«بوی باران بوی سبزه بوی خاک
	شاخه های شسته باران خورده پاک
	آسمان آبی و ابر سپید
	برگ های سبز بید
	نرم نرمک می رسد اینک بهار
	خوش به حال روزگار
	خوش به حال چشمه ها و دشت ها» (مشیری، ۱۳۹۹)



«آب چشم آخر بخواد بردنم تا کوی دوست قطره قطره جمع گردد عاقبت دریا شود» (کاشانی، ۱۳۷۱)

#### نتیجه:

با توجه به محتویات مقاله پیش روی در می یابیم آرایه، یا صنعت تکرار در شعر فارسی می تواند دلایل مختلفی از جمله زیباشناسی، تأکید، آرایش سخن، کوتاه کردن جملات با معانی سترگ و از این قبیل اهداف و مفاهیم را در خود جای دهد که شاعر می خواهد با کمترین کلام بیشترین معانی و مفاهیم را به خواننده القاء نماید. این زیبایی در زنجیره کلام، از دید ریزبین آنان که در موسیقی دستی دارند نیز پوشیده نمانده است و خوانندگان نیز این اشعار را در دستگاه های مختلف موسیقی سنتی و کلاسیک، با چاشنی احساس و تخیل، می خوانند. بسامد تکرار در اشعار مولانا، حافظ، پروین اعتصامی و سعدی، بنظر می رسد بیشتر از شاعران دیگر باشد؛ با توجه به اینکه حوزه ادبی شاعران فوق الذکر با یکدیگر متفاوت است (مولانا، عرفانی)، (سعدی، نوع تعلیمی)، (حافظ میانه عاشقانه\_عارفانه)، (پروین، شعر نو، عاشقانه) در می یابیم که آرایه تکرار در زمینه بسامد رابطه ای با نوع انواع ادبی (تعلیمی، عرفانی، حماسی، غنایی) ندارد و می تواند در همه انواع ادبی ما آمده باشد. تکرار، نه به عنوان عیوب شعر بلکه برای انسجام متن یکی از ابزار زیباشناسی می باشد که همواره در اختیار شاعران بوده است و از آن بهره برده اند. تکرار می تواند کمک حالی برای موسیقی درونی شعر باشد و به افزایش موسیقی درونی شعر کمک کند.

#### منابع:

۱. آتشی، منوچهر، (۱۳۸۶)، «مجموعه اشعار منوچهر آتشی»، تهران: انتشارات نگاه.
۲. اعتصامی، پروین، (۱۳۷۶)، «دیوان»، به کوشش ابوالفتح حکیمیان، تهران: انتشارات (بی نا)
۳. حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۷۳)، «دیوان»، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: انتشارات یاسین.
۴. رودکی، (بی تا)، «دیوان رودکی سمرقندی»، تهران: انتشارات نگاه.
۵. سعدی، مشرف الدین، (۱۳۶۹)، «گلستان»، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات دیبا.
۶. سعدی، مشرف الدین، (۱۳۶۹)، «کلیات سعدی»، به اهتمام فروغی، تهران: (بی نا)
۷. ساوجی، سلمان، (۱۳۷۱)، «دیوان سلمان ساوجی»، مصحح ابوالقاسم حالت، تهران: انتشارات ما.
۸. شمیسا، سیروس، (۱۳۷۲)، «کلیات سبک شناسی»، تهران: انتشارات فردوسی.
۹. خاقانی شروانی، (۱۳۹۵)، «دیوان خاقانی شروانی»، با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، بی نا.



۱۰. صابری، علی، (۱۳۹۱)، «صنعت تکرار، انواع و کاربردهای آن در بدیع»، مجله مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی)، دوره تابستان، شماره ۲۷، ص ۶۳-۸۶.
۱۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۳۹۴)، «ترجمه تفسیر طبری»، محمد دهقانی، تهران: انتشارات نی.
۱۲. عراقی، فخرالدین، (۱۳۸۴)، «دیوان»، تهران: انتشارات علم.
۱۳. فضیلت، محمود، ۱۳۷۱، «آرایه های ادبی در زبان فارسی»، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
۱۴. فرخزاد، فروغ، (۲۰۱۷ م)، «مجموعه اشعار فروغ»، تهران: انتشارات شرکت کتاب.
۱۵. فرخی سیستانی، ابوالحسین علی بن جولوغ، (۱۳۳۵)، «دیوان حکیم فرخی سیستانی»، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات اقبال.
۱۶. کاشانی، فیض، (۱۳۷۱)، «دیوان فیض کاشانی»، تصحیح و شرح و مقدمه مصطفی فیض کاشانی و همکاران، قم: انتشارات اسوه.
۱۷. گرگانی، فخرالدین اسعد، (بی تا)، «ویس و رامین»، مقدمه و تصحیح محمد روشن، تهران: انتشارات صدای معاصر.
۱۸. مولانا، جلال الدین محمد بلخی مولوی، (۱۳۸۹)، «مثنوی معنوی»، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۹. مولانا، جلال الدین محمد بلخی مولوی، (بی تا)، «کلیات دیوان شمس تبریزی»، تهران: انتشارات طلوع.
۲۰. مشیری، فریدون، (۱۳۸۹)، «گزیده اشعار فریدون مشیری»، تهران: انتشارات نگاه.
۲۱. نادرپور، نادر، (۱۳۹۹)، «مجموعه اشعار نادر نادرپور»، تهران: انتشارات نگاه.
۲۲. وحشی بافقی، مولانا شمس الدین محمد، (۱۳۹۲)، «دیوان»، تهران: انتشارات فردوس.
۲۳. ویکی پدیا، [Fa.wikipedia.org](http://Fa.wikipedia.org) ذیل واژه تکرار.

یازدهمین کنگره ملی سراسری  
فناوریهای نوین در حوزه توسعه پایدار ایران  
11<sup>th</sup> National Congress of  
the New Technologies in Sustainable Development of Iran

senacnf.ir